

حضرت امام در مناهج الوصول می نویسند:

«لا إشكال في أن النزاع في المشتق إنما هو في أمر لغوي أي في أن لفظ المشتق هل وضع للمتلبس الفعلي أو الأعم منه؟ لا في أمر عقلي ضرورة عدم احتمال أحد أن كان عالمًا في زمان و انقضی عنه المبدأ يكون بحكم العقل صادقاً عليه عنوان العالم فلو لم يكن وضع لم يحتمل أحد تحقق حقيقة في ظرف عدمها»^۱

توضیح :

۱. بی تردید بحث از مشتق، بحثی لغوی است. به این معنی که وضع مشتق برای چه معنایی است؟ آیا موضوع له مشتق، متلبس است و یا اعم از متلبس و ما انقضی عنه المبدأ؟
۲. و بی تردید بحث از مشتق، بحثی عقلی نیست. چراکه قطعاً عقل، درباره کسی که سابقاً عالم بوده و الآن عالم نیست، حکمی ندارد. (احدی احتمال نمی دهد که درباره چنین کسی، عقل حکم کند که عالم است).
۳. پس اگر وضع لغوی برای اعم نباشد، هیچ کس احتمال نمی داد که استعمال مشتق در ما انقضی عنه المبدء، حقیقت باشد.

این کلام امام، در حقیقت پاسخی است به مرحوم نائینی. ایشان می نویسند:

«و السر في اتفاقهم على المجازية في المستقبل، و الاختلاف فيما انقضی، هو ان المشتق لما كان عنواناً متولداً من قيام العرض بموضوعه، من دون ان يكون الزمان مأخوذاً في حقيقته، بل لم يؤخذ الزمان في الأفعال - كما سيأتي - فضلاً عن المشتق، وقع الاختلاف بالنسبة إلى ما انقضی عنه المبدأ، حيث أنه قد تولد عنوان المشتق لمكان قيام العرض بمحلّه في الزمان الماضي، و هذا بخلاف من يتلبس بعد، فإنه لم يتولد عنوان المشتق لعدم قيام العرض بمحلّه، فكان للنزاع في ذلك مجال، دون هذا، إذ يمكن ان يقال فيما تولد عنوان المشتق: أن حدوث التولد في الجملة و لو فيما مضى يكفي في صدق العنوان على وجه الحقيقة و لو انقضی عنه المبدأ، كما أنه يمكن ان يقال: أنه يعتبر في صدق العنوان على وجه الحقيقة بقاء التولد في الحال، و لا يكفي حدوثه مع انقضائه. هذا فيما إذا تولد عنوان المشتق في الجملة. و اما فيما لم يتولد فلا مجال للنزاع في أنه على نحو الحقيقة، لعدم قيام العرض بمحلّه، فكيف يمكن ان يتوهم صدق العنوان على وجه الحقيقة، مع أنه لم يتحقق العنوان بعد، فلا بد ان يكون على وجه المجاز بعلاقة الأول و المشاركة.»^۲

توضیح :

۱. مشتق عنوانی است که از قیام عرض به معروض حاصل می شود در حالیکه زمان در این قیام لحاظ نشده است

۱. مناهج الوصول، ج ۱، صفحه ۱۸۸

۲. فوائد الأصول للنائینی، ج ۱، صفحه ۸۳



(عالم عنوانی است برای قیام علم بر زید بدون احتساب زمان)

۲. حال در مورد کسی که قبلاً این عرض را داشته و اکنون ندارد، ممکن است ادعا شود که «قیام عرض فی الجمله - ولو اینکه الآن نباشد -» کافی است برای اینکه مشتق صدق کند. اما در جایی که هنوز عرض قیام نکرده (مستقبل)، قطعاً مشتق صدق نمی کند و اطلاق آن مجازی است.

ما می گوئیم :

(۱) فرمایش امام، کاملاً صحیح است به این بیان که:

اصلاً دایره مفاهیم و رابطه بین آنها و الفاظ از محدوده عقل خارج است اینکه کسی که علم ندارد آیا عالم است یا نه؟ بستگی به حکم عقل ندارد بلکه اگر لفظ عالم برای آن وضع شده بود، صدق می کند و الا فلا. پس هرگونه تحلیل عقلی در این زمینه، وارد کردن عقل به حوزه ای است که اصلاً امکان فهم آن را ندارد. [مثل اینکه ما اگر هزار سال هم فکر کنیم معنای یک لفظ را نمی توانیم جز از طریق علم به وضع دریابیم].

(۲) کلام مرحوم نائینی به نوبه خود باطل است چراکه ایشان فرض را گرفته اند که مشتق برای «عروض فی الجمله یا بالجمله عرض بر معروض» وضع شده و بعد می گویند در مستقبل قطعاً این عروض نیست و لذا مجاز است. در حالیکه این گونه وضع شدنی، اول مدعاست.

(۳) اما سخن امام نمی تواند اشکال بر مرحوم نائینی باشد چراکه سخن امام وقتی کامل است که عقل بخواهد مستقل از وضع، حکم به حقیقت یا مجاز بودن کند. در حالیکه مرحوم نائینی، پایه سخن خویش را بر امری وضعی نهاده است یعنی ابتدا می گوید «مشتق عنوانی برای متولد» است (بالوضع) و پس از این وضع، نتیجه می گیرد که مستقبل، نمی تواند فرد حقیقی برای مشتق باشد.

